

ابعاد حقوقی عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مواد مخدر^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۰۵

از صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۰

یوسف ترابی^۲، بهزاد منصورى شیخ‌جان^۳، بختیار عباسلو^۴، محمد نادری^۵

چکیده

زمینه و هدف: مرتکبان جرائم مواد مخدر روش‌هایی بکار می‌برند که امکان دستگیری آن‌ها را دشوار می‌سازد. این مسئله، پلیس و مقامات قضایی را در کشف جرم و تحصیل دلیل با دشواری مواجه کرده است. به همین دلیل، در برخی موارد پلیس به ناچار از عملیات تحت پوشش در کشف و اثبات جرم استفاده می‌کند. از طرفی، قانونی بودن تحصیل دلیل به لحاظ حقوقی ضرورت دارد. در همین راستا، این تحقیق در نظر دارد جایگاه و ابعاد حقوقی عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مواد مخدر را بررسی کند.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف و ماهیت، کاربردی و به لحاظ روش اجراء، توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی است. داده‌ها به شیوه اسنادی، کتابخانه‌ای از منابع حقوقی؛ فصلنامه‌ها؛ رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها جمع‌آوری و تجزیه تحلیل شده است. در این تحقیق، اسناد و مدارک موجود در خصوص ابعاد حقوقی توسل به عملیات تحت پوشش در کشف جرائم مربوط به مواد مخدر در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی از این است که قانون‌گذار از نظر ماهوی و شکلی در خصوص امکان توسل به عملیات تحت پوشش ساکت است، ولی با توجه به قواعدی چون قاعده‌ی اهم در بند ب ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، جواز توسل به آن در جرائم مربوط به مواد مخدر استنباط می‌شود.

نتیجه‌گیری: براساس قواعد حقوقی، وقتی دو حق، معارض بوده و حفظ یکی مستلزم زوال دیگری باشد، قانوناً حقی که ارزش کمتری دارد؛ لحاظ نمی‌شود. در این بحث نیز قانون اهم، حفظ امنیت جامعه است؛ البته این امر نافی مسئولیت کیفری پلیس در صورت تجاوز از مقررات قانونی نیست. بنابراین، توسل به عملیات تحت پوشش به لحاظ حقوقی در حد ضرورت و دفاع، تحت نظر مقام قضایی صالح بلامانع است.

کلید واژه‌ها: عملیات تحت پوشش، جرم‌یابی، جرائم مواد مخدر، اقدام مٌحیلا نه، قواعد حقوقی، مأموران پلیس.

استناد: ترابی، یوسف؛ منصورى شیخ‌جان، بهزاد؛ عباسلو، بختیار و نادری، محمد (تابستان ۱۳۹۸). ابعاد حقوقی عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مواد مخدر. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۴ (۵۴)، صص ۱۳۰-۱۱۳.

۱. مستخرج از رساله دکتری رشته جرم‌یابی دانشگاه علوم انتظامی امین با عنوان «بررسی ابعاد فقهی و حقوقی توسل به عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مربوط به مواد مخدر».

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، utorabi14@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جرم‌یابی دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: behzad.mansouri87@gmail.com

۴. استادیار حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین، abaslob@yahoo.com

۵. دانشیار معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین، naderibastam@chmail.ir

مقدمه

مواد مخدر و جرائم وابسته به آن یکی از مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی جوامع و دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که خود منشاء تولید بسیاری از بزه‌ها و کجروی‌های اجتماعی است. توجه به اقدامات دستگاه‌های مقابله کننده با مواد مخدر به ویژه پلیس و نظام قضایی بیانگر این واقعیت است که تلاش‌های فراوانی در راستای کشف و مقابله با اینگونه جرائم به عمل آمده و هزینه‌های هنگفتی از بودجه ملی کشور سالانه صرف می‌شود. با پیچیده شدن جرائم مربوط به مواد مخدر و ترفندهای نوین مجرمان، مقامات قضایی و پلیسی در اجرای وظایف خود در خصوص کشف جرائم با سختی و مشکل روبه رو هستند؛ چرا که اکتفا به ادله سنتی و متدوالی که می‌توانند مورد استفاده قرار دهند، توانایی رویارویی با اینگونه جرائم و مجرمان را دشوار می‌سازد. به ناگزیر در برخی موارد مأموران پلیس برای اثبات جرم یا محکوم کردن مرتکبان جرائم مربوط به مواد مخدر، متوسل به شیوه‌هایی می‌شوند که بعضاً با ضوابط حقوقی در تعارض است. عملیات تحت پوشش یکی از شیوه‌های کشف جرم است که نظام کیفری ایران در خصوص امکان توسل به آن به عنوان یکی از طرق محیلانه ساکت بوده و این مفهوم، چه در نظام رسمی و قانون‌گذاری کشور و چه در آثار نویسندگان و دکتربین حقوقی، کمتر مورد مذاقه و دقت نظر قرار گرفته است. بنابراین، مسئله‌ای که محقق در این پژوهش با آن مواجه است، وجود تعارض میان توسل به عملیات تحت پوشش در کشف جرم و تحصیل دلیل با اصول حقوقی از قبیل لزوم مشروعیت تحصیل دلیل، اصل ممنوعیت اغفال متهم و غیره است. اقدام عملی مأموران پلیس به عملیات تحت پوشش در کشف و جرم‌یابی مواد مخدر و در مقابل، سکوت قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران در خصوص موضوع مباحث عنه از مسائل دیگری است که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

پیرامون موضوع مزبور، تحقیقات و مطالعات داخلی و خارجی انجام شده است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. محمدی (۱۳۸۹) در رساله خود تحت عنوان «جرمانگاری اقدام‌های مخل دادرسی عادلانه؛ مبانی و مصادیق»، ضمن تبیین برخی اقدام‌های مخل دادرسی عادلانه، بیان می‌کند یکی از ارکان دام‌گستری این است که عملیات محیلانه مأموران باعث تحریک فرد مورد نظر به ارتکاب جرم شود، در نتیجه این

موضوع که گفته شود دام‌گستری اگر تحریک به ارتکاب جرم نکند، صحیح است، خارج از حیطه مفهوم دام‌گستری است. اما معادل دیگری که برای دام‌گستری استفاده شده است در رأی شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل مشاهده است که طی دادنامه شماره ۱۱۶۶، حکم صادره از دادگاه بدوی را فاقد وجهت قانونی دانسته و نقض کرده و اذعان می‌دارد: «صحنه‌سازی و زمینه‌چینی برای وقوع جرم ولو به طریق ارتکاب گفتار و کردار صوری و برای کشف جرم، خلاف مقررات است». ملک‌زاده (۱۳۹۱) نیز در رساله کارشناسی ارشد با عنوان «دام‌گستری»، به تبیین دام‌گستری به عنوان یکی از طرق تحصیل دلیل پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ارکان دام‌گستری در مرحله وقوع جرم شامل لزوم مأمور بودن مرتکب، ارتکاب جرم از ناحیه او و عدم تمایل متهم به ارتکاب جرم و رفع مسئولیت کیفری از متهم، رابطه مثبت معنادار وجود دارد و دلایلی که ناشی از تحریک متهم به جرم یا ارائه دلیل به دست می‌آید، اصولاً فاقد اعتبار قانونی است. همچنین، رایجیان اصلی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «آشنایی با یکی از سازوکارهای نوین مبارزه با مواد مخدر؛ حمل و تحویل تحت نظارت»، یکی از مهم‌ترین روش‌های کشف جرائم به ویژه در جرائم مواد مخدر که در اسناد مختلف بین‌المللی پیش بینی شده را حمل یا تحویل تحت نظارت معرفی کرده است. تحویل تحت نظارت یا تحویل کنترل شده، روشی پلیسی است که طی آن مأموران مبارزه با مواد مخدر در مبادی ورودی و خروجی کشور، از وجود محموله غیرمجاز آگاهی می‌یابند و با اطلاع و تحت نظارت مقامات ذی‌صلاح قضایی و در حالی که امکان کشف و توقیف محموله و دستگیری حاملان را دارند، جهت شناسایی بیش‌ترین افراد مداخله‌کننده در جرم یا جرائم مربوط به آن، مجوز ورود، عبور یا خروج می‌دهند.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در خصوص موضوع پژوهش، مطالعات بسیار محدودی صورت گرفته است. در برخی کتب و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی هم به صورت کاملاً پراکنده و خیلی محدود به موضوع تحقیق حاضر پرداخته شده است و فقط در لابه‌لای مطالب، اشاره‌ای به جواز یا منع مقامات قضایی در توسل به عملیات دام‌گستری کرده‌اند و مطالعاتی که متضمن بررسی و تحلیل عملیات تحت پوشش از منظر حقوقی باشد، مشاهده نشد. بنابراین، در این تحقیق ابعاد حقوقی عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مواد مخدر به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

تاریخچه توسل به عملیات تحت پوشش: کشف جرم از وظایف پلیس به عنوان ضابط عام قوه قضاییه است. عملیات تحت پوشش یکی از شیوه‌های مورد استفاده در کشف جرائم است که به اشکال گوناگونی صورت می‌گیرد. اینکه از چه زمانی پلیس با توسل به عملیات تحت پوشش، موجبات دستگیری و محکومیت مظنونان را فراهم کرده، به طور قطع معلوم نیست. بعضی از حقوقدانان اروپایی، به مصادیقی از عملیات مذکور با اندکی تفاوت در زمان شوالیه‌ها در اروپا اشاره کرده‌اند (لارگیه، ۱۳۷۸، ص ۳۷۵). برای مثال، در فرانسه مأمور تحریک‌کننده‌ای که یکی از مفتشین (بازرسان) اداره تثبیت قیمت‌ها بوده، خود را به اسم مجعول معرفی کرده و متوسل به یک سلسله حيله و نیرنگ شده تا متهمان، ناگزیر به عقد قرارداد برخلاف قانون جزا شوند یا در دعوای دیگر که در آن مأموران تثبیت قیمت‌ها، خودشان را به عنوان خریدار معرفی کرده و مبلغ زیادی پول پرداختند تا متهم را وادار به انجام معامله کنند (علی آبادی، ۱۳۶۷، ص ۲۱۲). به تدریج با پیشرفت علم و فناوری، اشکال نوینی از بزهکاری مانند جرائم مربوط به مواد مخدر، قاچاق انسان، جرائم سازمان یافته و جرائم تروریستی که معمولاً مرتکبان آن از درایت و تیزهوشی بیشتری نسبت به مرتکبان جرائم سنتی برخوردارند، پدید آمد و پلیس ناگزیر به عملیات محیلانه‌ای مانند عملیات تحت پوشش متوسل شد تا بتواند مظنونان به ارتکاب اینگونه جرائم را دستگیر کند.

مفهوم عملیات تحت پوشش: با افزایش روزافزون جرائم مربوط به مواد مخدر، مأموران اجرای قانون به تمامی روش‌ها برای جلوگیری از وقوع، کشف و دستگیری مرتکبان آن متوسل می‌شوند. بنابراین، پلیس در برخورد با اینگونه جرائم، گاهی به طور انفعالی مانند نفوذ در باندهای تبهکارانه یا حمل و تحویل تحت نظارت اقدام می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱) یا به صورت فعالانه موجب ترغیب فرد به ارتکاب جرم می‌شود تا بتواند با توجه به ادله به دست آمده در لحظه ارتکاب جرم، موجبات محکومیت فرد را فراهم کند (ملک زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۳). عملیات تحت پوشش می‌تواند در برگیرنده اغوا و تحریک مظنونان به ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر برای ارتکاب جرم باشد و در واقع حالتی است که اقدام مجری قانون در اثر تحریک، یک تزلزل روانی را در شخص به وجود می‌آورد. گارنر عملیات تحت پوشش را اقدامات افسر پلیس یا مأمور دولتی می‌داند که از طریق ترغیب ناروا یا به طور

محبیلانه، شخصی را تحریک به ارتکاب جرمی می‌کند تا متعاقب آن شروع به تعقیب وی کند. پركینز نیز معتقد است؛ عملیات تحت پوشش زمانی محقق می‌شود که مأموران فردی را که تمایل به ارتکاب جرم موردنظر نداشته است، به گونه‌ای تحریک کنند که قانون را نقض کند (مقیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲).

شرایط تحقق عملیات تحت پوشش: برای تحقق عملیات تحت پوشش شرایطی لازم است که عبارتند از:

- عملیات توسط مأمور اجرای قانون (مقام قضایی و ضابطان دادگستری) باشد نه اشخاص عادی. سؤالی که در این باره مطرح می‌شود؛ اینکه چه تفاوتی میان عملیات تحت پوشش توسط اشخاص عادی و اشخاص رسمی وجود دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت، در پرونده‌هایی که عملیات تحت پوشش توسط اشخاص رسمی صورت گرفته است این امر توسط پلیس شروع و کنترل شده و مأمور دولت ناچار است برای دستگیر کردن شخص قبل از به پایان رسیدن جرم، گام‌هایی بردارد (هوردر^۱، ۲۰۱۹، ص ۱۷). بنابراین، شخص زمانی که دست به تحریک متهم می‌زند باید یا پلیس باشد یا نماینده آن. لذا عملیات تحت پوشش با رفتارهای فریبنده و تحریک‌کننده شهروندان عادی که مأمور حکومتی نیستند، محقق نمی‌شود.

- مأمور دولت باید هویت خود را مخفی نگه داشته و چنان اظهار کند که مرتکب را در تشخیص هویت خود دچار شبهه کند؛ به نحوی که مرتکب، وی را شخص عادی بپندارد، یعنی مأمور باید خودش را به جای یک شخص عادی جا بزند و در نتیجه، متهم را به ارتکاب جرم تحریک یا جرمی را کشف کند یا نسبت به دستگیری مرتکبان و تحصیل دلیل علیه آن‌ها اقدام کند (ابراهیمی و ملک‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۷).

- مأمور دولت باید به تحریک یا ترغیب فرد برای ارتکاب جرم موردنظر بپردازد. تحریک در معنای عام خود شامل ترغیب، تهدید یا تطمیع است (صدری افشار، ۱۳۸۱، ص ۳۴۹). تحریک‌کننده کسی است که بی‌آنکه در بعد مادی جرم دخالتی کند، محرک فاعل جرم به عناوین مختلف است. البته در عملیات تحت پوشش برخلاف برخی دیگر از مصادیق عملیات محبیلانه از قبیل دام‌گستری که لازمه تحقق آن، اقدام فعالانه پلیس از قبیل تحریک، ترغیب و اغفال افراد به ارتکاب جرم است،

1.Horder

برای تحقق عملیات تحت پوشش، همیشه لازم نیست مأمور اجرای قانون به تحریک یا ترغیب فرد برای ارتکاب جرم موردنظر اقدام و مداخله فعال داشته باشد، بلکه در برخی فروض عملیات تحت پوشش مانند ورود و نفوذ به باندهای قاچاق مواد مخدر، اقدامات منفعلانه پلیس نیز بدون اقدام به تحریک شخص به ارتکاب جرم، برای تحقق عملیات تحت پوشش کفایت می‌کند.

- وجود فریب و نیرنگ عملیات تحت پوشش از مصادیق رفتار بوده و اقدامات صورت گرفته در عملیات محیلانه اعم از فعالانه مانند تحریک فرد به ارتکاب جرم و منفعلانه مانند نفوذ در باندهای قاچاق مواد مخدر، حول محور عنوان فریب و نیرنگ است و مأمور در عملیات تحت پوشش با تمسک به فریب و نیرنگ، هویت واقعی خود را مخفی نگه می‌دارد (مارتین^۱، ۱۹۹۷، ص ۳۶۷).

روش‌های عملیات تحت پوشش: مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده پلیس در این عملیات عبارت‌اند از:

- **ایفای نقش به عنوان مجرم:** در این روش، مأمور در نقش خریدار یا فروشنده عمل می‌کند و با پیشنهاد فروش مواد مخدر یا در معرض فروش قرار دادن آن، سعی در شناسایی و دستگیری خریداران و متقاضیان می‌کند. در شکل دیگری، مأمور نه به عنوان خریدار یا فروشنده (مباشر جرم)، بلکه به عنوان شریک یا معاون جرم ظاهر می‌شود.

- **تسهیل وقوع جرم:** در این روش، مأمور پلیس وقوع جرم را تسهیل می‌کند. به عنوان مثال، مأمور پلیس، مواد مخدر مورد نیاز مظنونان به قاچاق مواد مخدر را در دسترس آن‌ها قرار می‌دهد و هنگام حمل مواد، آن‌ها را دستگیر می‌کند. این روش در صورتی می‌تواند مشروع تلقی شود که متهم قصد ارتکاب جرم را داشته باشد و رفتار مأمور مخفی تحت پوشش تسهیل‌کننده، صرفاً زمینه وقوع آن جرم است.

- **واسطه قرار دادن:** در این روش، مأمور پلیس، شخص دیگری را واسطه قرار می‌دهد تا مرتکب را اغفال، فریب یا تحریک کند. در این مورد، علم یا جهل آن فرد ثالث، مؤثر در مسئولیت شخص ثالث، مرتکب و مأمور پلیس است. این شیوه میان پلیس‌های مواد مخدر مرسوم است. در این مورد دو فرض قابل تحقق است؛ نخست

1.Martin

اگر فرد ثالث جهل داشته باشد که اقدامش تحریک دیگری به ارتکاب جرم است و این جهل ناشی از اقدامات پلیس باشد، اقدام وی به مثابه عملیات تحت پوشش است. دوم اینکه شخص ثالث، علم داشته باشد که اقدامش موجب تحریک دیگری به ارتکاب جرم است یا اینکه جهل وی به این امر، ناشی از اقدامات پلیس نباشد. در این صورت چون یکی از شرایط عملیات تحت پوشش این است که شخص تحریک‌کننده یا اغفال‌کننده مأمور دولت باشد، رفتار ارتكابی از سوی شخص غیرمأمور را نمی‌توان عملیات تحت پوشش تلقی کرد، بلکه وی تحت عنوان معاونت در جرم تحت شرایطی قابل تعقیب کیفری است (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است که به روش کیفی و با تحلیل اسناد و مدارک موجود در خصوص دیدگاه حقوقدانان و صاحب‌نظران حقوقی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. محقق برای بررسی و تحلیل داده‌ها و اطلاعات موجود در خصوص ابعاد حقوقی توسل به عملیات تحت پوشش در کشف جرائم مربوط به مواد مخدر در نظام حقوقی کشور، با مطالعه و بررسی دیدگاه حقوقدانان، به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده پرداخته است.

یافته‌های تحقیق

ماهیت حقوقی عملیات تحت پوشش: توسل به عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مواد مخدر به دو شیوه «عملیات تحت پوشش موضوعی و شخصی» امکان‌پذیر است؛ در «عملیات تحت پوشش موضوعی»، انگیزه اصلی، ایجاد شبهه موضوعی در شخص مخاطب و عملکرد مقامات عمومی است. شخص بر اثر شبهه در موضوع به دام مقامات عمومی می‌افتد؛ معامله صوری در جرائم مواد مخدر از این قبیل است (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰). بر همین مبنا، کمیسیون حقوقی دادستانی کل کشور، پیرامون انجام معامله‌های صوری با قاچاقچیان مواد مخدر به منظور نفوذ و شناسایی عناصر اصلی باندهای قاچاق و در واقع تحصیل ادله علیه آن‌ها، بیان کرده که معامله صوری با قاچاقچیان باسابقه و کسانی که در امر قاچاق مواد مخدر فعالیت دارند و به

طرق مختلف و با اعمال شگردهای مجرمانه از تعقیب مأموران می‌گریزند، بلامانع است و حتی در دستورالعمل معاملات صوری صادره از فرماندهی نیروی انتظامی، بر انجام معامله صوری با مجوز مرجع ذیصلاح قضایی تأکید شده است (تدین، ۱۳۸۸، ص ۸۳).

نوع دیگر عملیات تحت پوشش که در آن مأموران هویت خود را پنهان و با هویت مجازی وارد باندهای تبهکاری می‌شوند تا با کسب ادله لازم به شناسایی مجرمان و متلاشی کردن باندها اقدام کنند، «عملیات تحت پوشش شخصی» است. در این نوع از عملیات، هدف و انگیزه اصلی، ایجاد شبهه در موضوع نیست، بلکه مقامات عمومی با اقتباس یک شخصیت مجازی و ایجاد تماس با شخصف بدون اطلاع وی نسبت به جمع‌آوری دلایل جرم اقدام می‌کنند. شخص در فرآیند عملیات مقامات عمومی علی‌القاعده در انفعال کامل قرار می‌گیرد. در عملیات تحت پوشش شخصی معمولاً از خدمات مخبر و خبرچین استفاده می‌شود و اصل استفاده از خدمات مخبر و خبرچین، ساخته و پرداخته رویه عملی پلیس است (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱).

در ایران، در مورد جرائم مربوط به مواد مخدر، استفاده از مخبران رایج است. قانون‌گذار ایرانی برای مبارزه بهتر با مسئله افیون و اعتیاد مواد مخدر، راجع به پرداخت حق کشف مواد مخدر غیرمجاز مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۴۲ و نیز تصویب‌نامه‌های شماره ۱۴۶۶ مورخ ۱۳۴۴/۳/۸ و شماره ۸۶۹۴ مورخ ۱۳۳۸/۸/۱۰، نه تنها موجودیت مخبران را معتبر شناخته که پاداش متناسب با مورد نیز به آن‌ها می‌پردازد (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱). هریک از عملیات تحت پوشش موضوعی و شخصی می‌تواند برای ارتکاب جرم یا اثبات جرم و تحصیل دلیل صورت پذیرند.

عملیات تحت پوشش برای ارتکاب جرم: پلیس در مقام ضابط دادگستری طبق قواعد آئین دادرسی کیفری و بند ۲ تبصره ۹ ماده ۸ قانون نیروی انتظامی، وظیفه کشف جرم و پیشگیری از ارتکاب جرم را عهده‌دار است. بنابراین، خود نباید به وجود آورنده اراده مجرمانه در بزهکار باشد (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۸۲۱). لذا در فرضی که هنوز جرمی صورت نگرفته، عملیات تحت پوشش و تحریک شخص برای ارتکاب جرم توسط مأمور یا تسهیل وقوع جرم توسط وی، خارج از حیطه اختیاراتش است. از سوی دیگر، کمک به شکل‌گیری جرم که می‌توان از تحقق آن جلوگیری کرد، نوعی معاونت در جرم محسوب می‌شود. چنین امری حتی برای کشف جرم و دستگیری

افرادی که در گذشته مرتکب جرائمی شده‌اند نیز صحیح نیست. به این دلیل که اولاً هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. در ثانی، چه‌بسا که چنین افرادی قبلاً توبه کرده باشند و در پی تحریکات مأمور دولت، مجدداً در ورطهٔ بزهکاری قرار گیرند.

عملیات تحت پوشش برای تحصیل دلیل و کشف جرم: کشف جرم و تحصیل دلیل بر عهدهٔ دادسرا است که با ارجاع تحقیق از سوی آن‌ها به ضابطان دادگستری، ضابطان مکلف به جمع‌آوری اطلاعات مفید در کشف حقیقت هستند (آخوندی، ۱۳۹۳، ص ۸۲). برخی مواقع، مقامات قضایی و پلیس برای کشف جرم و تحصیل دلیل، به روش‌هایی متمایل می‌شوند که مشروعیت آن‌ها جای بحث دارد. گاهی اوقات اثبات تبهکاری متهم دشوار بوده، در نتیجه به ناچار برخی از اقدامات در بازجویی پذیرفته می‌شود، اما عدالت نباید به خاطر استفاده از ترفندهای قابل سرزنش که عموماً ویژگی خیلی متقلبانهٔ آن تهدیدی برای حقوق دفاعی فرد است، به مخاطره بیفتد (لارگیه، ۱۳۷۸، ص ۱۹).

در سیاست جنایی اسلام در خصوص جرائم اخلاقی از باب منع تشییع فاحشه، بزه‌پوشی و جلوگیری از افشای جرم براساس مدارک و ادلهٔ موجود در کتاب و سنت تأکید شده است. علی (ع) در نهج‌البلاغه در نامهٔ شمارهٔ ۲۹ مقرر می‌کند: «... مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار کنی و ... پس آنچنان که می‌توانی زشتی‌ها را بیوشان». در حقوق اسلام مواردی را جزء محدودیت‌های بزه‌پوشی ذکر کرده‌اند که در آن‌ها مأموران موظف به کشف جرم و تعقیب مجرم باشند. از قبیل تجاهر و جرائم علنی، دادخواهی و حمایت از بزه‌دیده و حمایت از حقوق جامعه که شامل جرائم علیه مصالح عمومی و نظارت و مراقبت بر امور کارگزاران می‌شود؛ چنان که امام علی (ع) نیز در برخی از قضاوت‌های خود از روش‌هایی مانند اغفال و تفریق متهمان برای کشف جرم و تحصیل دلیل استفاده می‌کردند (شوشتری، ۱۳۶۴، ص ۱۹). لذا کشف جرم با توسل به عملیات تحت پوشش در مورد طیف خاصی از جرائم از جمله جرائم مربوط به مواد مخدر که مضر به جامعهٔ اسلامی بوده و امنیت ملی را تهدید می‌کند مجاز تلقی شده و مأموران باید تحت نظارت مقام قضایی به آن اقدام کنند. با این وصف، کمیسیون حقوقی دادستانی کل کشور، در خصوص انجام معامله‌های صوری با قاچاقچیان مواد مخدر بیان کرده: معاملهٔ صوری با قاچاقچیان با سابقه و کسانی که در قاچاق مواد مخدر فعالیت دارند و به طرق مختلف از

تعقیب مأموران می‌گریزند، بلامانع است و حتی در دستورالعمل سازمانی پلیس در معاملات صوری، بر انجام معامله صوری با مجوز مرجع ذیصلاح قضایی تأکید شده است. بنابراین، دستورالعمل معاملات صوری که از سوی ناجا و متعاقب اختلافاتی که در رسمیت بخشیدن به آن صادر شده و تاکنون نیز ملاک عمل است، رسمی‌ترین سندی است که در میان متون قانونی در کاربرد عملیات تحت پوشش برای کشف جرم و تحصیل دلیل قابلیت استناد دارد.

اهداف توجیه‌کننده عملیات تحت پوشش: اهداف متفاوتی در عملیات تحت پوشش مدنظر است که بخشی از آن‌ها ناظر به ویژگی‌های جرائم و مرتکبان آن‌ها و بخشی دیگر معطوف به موقعیت و شرایط نظام قضایی و پلیسی است. اهداف مربوط به جرم و مجرم، شامل موارد زیر است.

- **دشواری کشف جرائم مربوط به مواد مخدر:** دشواری کشف جرم ابعاد مختلفی دارد. سازمان یافتگی و حرفه‌ای شدن مجرمان همسو با توسعه فناوری، اهمیت و خطر جرائم فاقد بزه‌دیده که خصوصاً به افزایش رقم سیاه بزهکاری منتهی می‌شود، به روز نبودن توان و آموزش نیروهای پلیس در مقابله با جرائم نوین، خطر جرائمی که توأم با رضایت طرفین به وقوع می‌پیوندد و بالاخره الزامات اخلاقی و حقوقی جامعه و دولت در مقابله با جرائم از یک سوء و عدم الزامات اخلاقی تبه‌کاران از سوی دیگر، از مشکلات و چالش‌های کشف جرم هستند.

- **سازمان یافتگی جرائم مربوط به مواد مخدر:** جرائم سازمان یافته، نظام اجتماعی را از طریق فساد اداری متزلزل می‌کند. فساد قضات دادگستری و مأموران پلیس نیز مانع از تحقق عدالت شده و با اختلال در فرآیندهای سیاسی و مردم‌سالار، موجب تزلزل حکومت‌ها می‌شود. با تشکیل اتحادیه‌ها و پیمان‌های راهبردی و فراملی میان سازمان‌های مجرمانه و گروه‌های تروریستی به ویژه در جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر، امنیت ملی و نظم جهانی مختل می‌شود (هاشمی و باباپور، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

- **الزامات امنیتی و سرعت عمل:** خطر و تهدیدهای جرائم مربوط به مواد مخدر به قدری خطرناک و دارای پیامدهای سخت بر امنیت عمومی و سلامت اجتماعی مردم و شهروندان است و مسامحه و تعلل در مقابله، کشف و شناسایی آن‌ها برای خنثی‌سازی یا کاهش خسارت مربوط، زندگی اجتماعی را در جامعه به مخاطره می‌اندازد. بنابراین، لزوم سرعت عمل و چابکی پلیس در این عرصه اهمیت به‌سزایی

دارد.

- **مجرمان حرفه‌ای:** برخی از کلاهبرداری‌ها چنان خوب طراحی شده‌اند که اغفال نشدن به وسیله آن‌ها خود نوعی حماقت است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸، ص ۲۶). هرچند سخن این حقوقدان ناظر به کلاهبرداری است، اما جرائم مربوط به مواد مخدر نیز از جهت داشتن مرتکبان و مجرمان حرفه‌ای، وضعیتی بهتر از کلاهبرداری ندارد. مواجهه پلیسی و قضایی، کاربردی‌ترین مواجهه با مجرمان حرفه‌ای است و به موازات مطالعات جرم‌شناسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و شناسایی علل ظهور چنین مجرمانی، رفتارهای قضایی و پلیسی در قبال این دسته از مجرمان، معقول‌تر و کارشناسی‌تر خواهد شد و به عکس، تا جایی که جامعه و دولت نتواند در اشکال علمی و تخصصی اعم از قضایی، پلیسی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و جرم‌شناختی با این گروه از مجرمان مقابله کند، ناچار به توسل به روشی خواهد شد که از منظر مبانی نظری، اصول و قواعد حقوقی و شرعی، چندان قابل دفاع نبوده و عملیات تحت پوشش از آن جمله است (ولی پور، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

اهداف مربوط به نظام قضایی و پلیسی در توجیه انجام عملیات تحت پوشش نیز عبارت‌اند از:

- **کاستی‌های سازمان پلیس:** به عقیده رابرت پیل، پلیس جامعه است و جامعه پلیس؛ بدین معنی که پلیس پیش از آنکه به دولت و حکومت منتسب باشد به جامعه منتسب است و پلیس حقوق می‌گیرد تا در خدمت رفاه هم‌شهری خود باشد. اما وقتی میان تلقی عمومی جامعه از وظیفه پلیس با وظایفی که حکومت یا دولت بر عهده پلیس می‌گذارد انشقاق ایجاد شود، به حسب ساخت قدرت، پلیس تحت فرمان دولت قرار می‌گیرد و چه‌بسا با هدف حفظ ارزش‌های رسمی و دولتی و برخلاف تلقی جامعه، ابزارهای مغایر با هدف حقیقی خود را به خدمت بگیرد (محمد نسل، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

- **ناکارآمدی نظام ادله اثبات:** گفته‌اند که دلیل مرسوم خطی است که مراحل مختلف دادرسی کیفری را از لحظه کشف جرم تا صدور حکم به هم پیوند می‌دهد (پورزند مقدم، ۱۳۸۰، ص ۹). به نظر می‌رسد محدودیت انواع دلیل در نظام ادله قانونی، لاجرم به محوریت آن دلایل منتهی خواهد شد؛ آنچنان که نظام آیین دادرسی

کیفری ایران در حد مسئله‌ای جدی بروز کرده است و اقرار محوری از دو سو به ناکارآمدی نظام ادله اثبات منتهی شده است. از طرفی، جز با اقرار، جرمی به اثبات نمی‌رسد و اقرار به ارتکاب جرم با تورم ضوابط مربوط به آن مواجه شده است و از دیگر سو، انواع دلایل که حتی به تنهایی می‌توانند کاشف از حقیقت باشند تا به اقرار متهم به جرم منتهی نشوند، اعتبار چندانی ندارند و به انکار بعدی متهم فرو می‌پاشند. خلاصه آنکه، نظام ادله اثبات ممکن است خواسته یا ناخواسته نسبت به جریان کاشف از حقیقت، در خصوص دلیل، انسداد ایجاد کند و این انسداد چه بسا به شیوه‌هایی همانند عملیات تحت پوشش، در پی یافتن مجرا باشد.

قلمرو عملیات تحت پوشش در مرحله تعیین مسئولیت: سؤالی که در اینجا قابل طرح است، این است که با تشخیص تحقق عملیات تحت پوشش، تکلیف طرفین عملیات یعنی مأمور پلیس و متهم به دام افتاده چه می‌شود؟ آیا متهم می‌تواند با استناد به وقوع عملیات تحت پوشش، پناه و مفری برای رفع مسئولیت یا کاهش مجازات پیدا کند؟ آیا پلیس با توسل به عملیات تحت پوشش در مظان اتهام معاونت در جرم ارتكابی قرار می‌گیرد؟

- **مسئولیت کیفری متهم:** برای تبرئه متهم، در غیاب قانونی که به طور مشخص به مفهوم عملیات تحت پوشش و عملیات محیلانه بپردازد، برخی حقوقدانان کیفری سخن از اجبار معنوی برای تبرئه متهم به میان آورده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰). اجبار معنوی به این معناست که رفتارهای مأموران باعث زوال اراده متهم شده باشد و به عبارت دیگر، وی را برای ارتکاب جرم فاقد اراده کرده باشد. اما این فرضیه زمانی که عملیات تحت پوشش واقع می‌شود ناشی از برداشت نادرست از این مفهوم و واقعیت موجود به نظر می‌رسد. به طور قطع، اقدامات مأموران در عملیات تحت پوشش به گونه‌ای نیست که باعث فقدان اراده متهم شود، بلکه متهم در تمامی مواقع با اراده و رضایت و به منظور به دست آوردن فواید ارتکاب جرم، اقدام به رفتار مجرمانه می‌کند. در نتیجه، سخن از اجبار معنوی برای مسئولیت متهم، نادرست به نظر می‌رسد. طبق ماده ۱۵۱ ق.م.ا، اگر در صورتی مانع مسئولیت قلمداد شده که عادتاً قابل تحمل نباشد؛ یعنی قدرت تصمیم‌گیری فرد را به کلی زائل یا محدود به انتخاب یکی از دو امر کند. بعید است که تحریکات ناشی از عملیات محیلانه منجر به سلب قدرت تصمیم‌گیری در فرد شده و منتهی به زائل شدن اراده وی شود؛

چراکه چنین فردی با آزادی اراده و در پی کسب منفعت مرتکب چنین عملی می‌شود (صانعی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). اگر پذیرفته شود که عملیات تحت پوشش به طرق تحریک، منجر به سلب اراده مرتکب می‌شود، باید تحریکات مشابه از سوی غیرمأمور دولت هم از موانع مسئولیت مرتکب محسوب شود؛ در صورتی که چنین تحریکاتی منجر به سلب مسئولیت کیفری نیست و تأثیر بر روی اراده ندارد که بتواند آن را زائل کند، هرچند که ممکن است تأثیری جزئی بر روی اراده داشته باشد که این امر نیز مؤثر در مقام نیست (اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۳۲). بنابراین، باید اعتقاد داشت متهم به دام افتاده دارای مسئولیت کیفری است؛ مگر اینکه در اثر اقدامات مأمور دولت، اراده وی کاملاً سلب یا محدود شده است که این امر می‌تواند از عوامل رافع مسئولیت کیفری یا مخففه تلقی شود.

- **مسئولیت کیفری مأمور:** آنچه که مسلم است، مأموران باید در چارچوب قواعد حقوقی و قانون، اقدام به انجام وظایف خود کنند. اما در برخی موارد، به ناچار و از باب اضطرار اقدام به رفتارهای خلاف قانون و قواعد حقوقی می‌کنند که در تعارض با قواعد حقوقی و همچنین مغایرت با رعایت حقوق مردم و شهروندان قرار دارد. در مواردی که مأموران با توسل به اقدامات محیلانه از قبیل عملیات تحت پوشش برای کشف و تحصیل دلیل اقدام می‌کنند، شبهه معاونت در جرم مطرح می‌شود. اما به نظر می‌رسد می‌توان گفت اگر حکم اولیه، عمل مأمور پلیس را مستوجب کیفر شمرده باشد، اصولی مانند الضرورات تبیح المحضورات، قاعده دفع افسد به فاسد و اجرای قانون اهم بر آن (حکم اولیه) حکومت یافته و آن حکم را برمی‌دارد؛ همانند قاعده لا ضرر که حکم ثانوی است و حاکم بر همه احکام است و هر عمل یا اعمال حقی که موجب اضرار غیر شود ممنوع می‌شود (صفری کاکرودی، ۱۳۹۶، ص ۵۴). به عبارت دیگر، وقتی دو حق معارض یکدیگر باشند و حفظ یکی از آن دو، مستلزم زوال دیگری باشد، قانوناً حقی را که ارزش کمتری دارد می‌توان حتی با ارتکاب جرم فدا کرد. از این لحاظ، مأمور فاقد مسئولیت کیفری و مدنی است. البته این امر نافی مسئولیت کیفری مأمور دولت در صورت تجاوز از مقررات قانونی و انجام عمدانه رفتار خلاف قوانین نیست. بنابراین، در صورت احراز این موضوع؛ مأمور دارای مسئولیت کیفری است.

عملیات تحت پوشش و تحصیل دلیل: بررسی موضوع عملیات تحت پوشش در قلمرو آیین دادرسی کیفری در هاله‌ای از ابهام و چندگانگی به سر می‌برد؛ دایر بر اینکه آیا به ادله جمع‌آوری شده توسط مأموران که خود هم عامل جرم و هم شاهد جرم بوده‌اند می‌توان اعتماد کرد؟ به بیان دیگر، می‌توان به یک مرحله پیش‌تر از عملیات تحت پوشش رفت و بیان کرد؛ آیا اتهام با توجه به روش به کار گرفته شده توسط مأموران اجرای قانون، قابل اثبات در محکمه است؟ اصل مشروعیت تحصیل دلیل به این معناست که ارائه و ارزیابی ادله کیفری باید منطبق با قانون بوده و عناصر ادله باید از روشی مشروع و قانونی تحصیل شوند. به بیان دیگر، کفایت دلایل تنها شرط تحقیقات نیست، دلایلی که موضوع تفهیم اتهام است، نباید به شیوه‌ای تحصیل شده باشد که تحقیقات را به خطر بیندازد. عموماً نمی‌توان برای دلایلی که با نقض ممنوعیت‌های قانونی تحصیل شده‌اند اعتبار قائل بود (تدین، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷).

رویه قضایی برای تضمین مشروعیت در تحصیل ادله، دو معیار مهم را ملحوظ نظر قرار می‌دهد؛ صیانت از حقوق فردی و رعایت شأن و مقام دادگستری. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا در شأن و مقام مأموران است که با توسل به عملیات محیلانه در پی کسب دلایل باشند؟ آیا در اینگونه اقدامات، اصل مشروعیت تحصیل دلیل رعایت می‌شود؟ مقصود رعایت امانت در تحصیل دلیل، توجه به راه‌های مناسب کسب دلیل است و این راه‌ها براساس لزوم احترام به حقوق انسان و مقام قضا استوارند. پاسخ به این دو سؤال از دو حال خارج نیست؛ حالت اول زمانی است که اجازه توسل به عملیات تحت پوشش به مأموران داده شود و حالت دوم زمانی است که چنین اجازه‌ای به مأموران داده نشده است یا اینکه رفتار مأموران از حدود و استانداردهای مقرر تجاوز پیدا کرده است. با توجه به تجویز اینگونه اقدامات (توسل به عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مربوط به مواد مخدر) به شرح فوق، در ادله ارائه‌شده توسط این مأموران نیز نباید تشکیک کرد. اما زمانی که مأموران بدون اجازه قانونی یا با تجاوز از استانداردها مرتکب عملیات محیلانه می‌شوند، به‌طور قطع نمی‌توان به دلایل ارائه شده اعتماد کرد. باید گفت در دستورالعمل معاملات صوری مواد مخدر بر انجام اینگونه اقدامات با مجوز مقام صالح تأکید شده است و از مفهوم مخالف آن می‌توان چنین استنباط کرد که در صورت عدم وجود مجوز، اقدامات انجام شده باطل خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

در جرائم مربوط به مواد مخدر، روش‌هایی بکار گرفته می‌شود که امکان دستگیری مرتکبان آن‌ها را دشوار می‌سازد. این مسئله، پلیس و مقامات قضایی را در کشف جرم و تحصیل دلیل با دشواری مواجه کرده و در برخی موارد، پلیس به ناچار از عملیات تحت پوشش در کشف و اثبات جرم استفاده می‌کند. از طرفی، قانونی بودن تحصیل دلیل به لحاظ حقوقی ضرورت دارد. در همین راستا، این تحقیق در نظر دارد جایگاه و ابعاد حقوقی عملیات تحت پوشش در جرم‌یابی جرائم مواد مخدر را بررسی کند.

از مصادیق اقدامات سرکوبگرانه در قبال جرائم مرتبط با مواد مخدر، اقدامات موسوم به عملیات تحت پوشش است. عملیات تحت پوشش به دو صورت منفعلانه و فعالانه انجام می‌شود. در اقدامات منفعلانه، مأمور پلیس صرفاً هویت خود را مخفی نگه داشته و هیچ مداخله‌ای در مراحل مختلف جرم نمی‌کند. در حالت دوم، مأمور پلیس علاوه بر مخفی نگه داشتن هویت خود، با اقداماتی همچون تحریک، ترغیب، اغفال و فریب، فرد موردنظر (متهم) را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد تا او را در حین ارتکاب جرم دستگیر کند. در حال حاضر، توسل به چنین روش‌هایی، غیرقانونی و غیرمجاز نبوده و مأموری که به عملیات تحت پوشش اقدام کرده اصولاً فاقد مسئولیت کیفری است. در مورد مسئولیت مرتکب به دام افتاده نیز باید قائل به تفکیک شد؛ در جایی که عملیات تحت پوشش منجر به زائل شدن عناصر جرم شود، دیگر محملی برای مجازات متهم وجود نخواهد داشت؛ چراکه جرمی محقق نشده است تا مجازاتی صورت گیرد. ولی در غیر این صورت، مرتکب داری مسئولیت کیفری است، البته این امر نافی اعمال تخفیفات قضایی با توجه به پرونده شخصیت متهم و اوضاع و احوالی که در اثر آن مرتکب جرم شده است، نیست.

با توجه به پیچیدگی مبارزه با پدیده مواد مخدر و جرائم مربوط به آن، طیف وسیعی از کشت، تولید، مصرف و اعتیاد تا قاچاق مواد مخدر و حتی پول‌شویی و توسل مرتکبان جرائم مذکور به شیوه‌ها و شگردهایی که امکان کشف و دستگیری مرتکبان را دشوار می‌سازد و با تأکید بر اصول کلی حقوقی، پاسداری از ارزش‌های برتر جامعه و پاسداری از نظم جامعه، اتخاذ رویه‌های حقوقی زیر در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران الزامی به نظر می‌رسد:

- اولویت تأمین امنیت و آرامش، آسایش و سلامت مردم و شهروندان بر شرایط و الزامات وجود قانون و مقررات صریح برای توسل به عملیات تحت پوشش ایجاب

می‌کند که مأموران پلیس در مقابله و کشف قاچاق و توزیع مواد مخدر، اقتضایی عمل کنند. لذا این عمل اقتضایی به دلیل سکوت قانون در این مورد خاص، اماره‌ای برای جواز توسل به عملیات تحت پوشش مأموران پلیس تلقی شود.

- در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری یک «سیاست جنایی افتراقی» ضروری است که بر پایه آن، نحوه کنترل و برخورد با جنبه‌های گوناگون پدیده مواد مخدر متفاوت خواهد بود. بنابراین، سیاست جنایی افتراقی در قبال مواد مخدر اقتضا می‌کند تا قوانین و مقررات شکلی و ماهوی حاکم بر آن، تابع اصول و قواعد حقوقی ویژه، شفاف، صریح و روشن باشد.

- رویکرد دوگانه مبتنی بر تمایز میان دو رفتار ناهنجار مصرف و جرائم مرتبط با قاچاق مواد مخدر الزامی می‌شود که در مورد اعتیاد، «سیاست بازپروری و درمان» را روا می‌داند و برعکس، در قلمرو قاچاق، وارد کردن، صادر کردن و تشکیل باندهای حمل و ترانزیت، «سیاست آمرانگی و سرکوب» مورد تجویز حقوقدانان قرار می‌گیرد.

منابع

منابع فارسی

- نهج البلاغه.
- آشوری، محمد (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران: نشر سمت. چاپ هشتم.
- ابراهیمی، شهرام و ملک‌زاده، محمود (۱۳۹۲). دام‌گستری؛ ممنوعیت مطلق یا قانونمندسازی آن. *مجله فقه و حقوق اسلامی*. ۵(۸)، صص ۱-۲۹. بازیابی از: https://journals.tabrizu.ac.ir/article_3179.html
- آخوندی، محمود (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری؛ اندیشه‌ها. جلد چهارم. قم: انتشارات اشراق. چاپ دوم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی. جلد دوم. تهران: نشر میزان. چاپ یازدهم.
- انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- پورزند مقدم، پژمان (۱۳۸۰). مطالعه تئوری دلیل در دادرسی کیفری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.

- تدین، عباس (۱۳۸۸). *تحصیل در آیین دادرسی کیفری*. تهران: نشر میزان. چاپ دوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *آشنایی با یکی از سازوکارهای نوین مبارزه با مواد مخدر؛ حمل و تحویل بر نظارت. فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*. ۱۰ (۳۴ و ۳۵)، صص ۳-۲۶. بازیابی از: <http://yon.ir/XMLlm>
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۶۴). *قضاوت‌های حضرت علی(ع) (محمدعلی شیخ، مترجم)*. تهران: کتابخانه صدر.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: نشر طرح نو. چاپ اول.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر فارسی امروز*. تهران: نشر فرهنگ معاصر. چاپ دوم.
- صفری کاکرودی، عابدین (۱۳۹۶). *موانع مسئولیت کیفری مأموران پلیس*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.
- قربانی، علی (۱۳۹۴). *بررسی رویه قضایی دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه*. رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه تهران.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۷). *حقوق جنایی*. مشهد: مؤسسه انتشارات فردوسی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). *ادله اثبات دعوی*. تهران: نشر میزان. چاپ دوم.
- لاریجه، ژان (۱۳۷۸). *آیین دادرسی کیفری فرانسه (حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مترجم)*. تهران: گنج دانش.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). *پلیس و پیشگیری از جرم*. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- محمدی، محمد (۱۳۸۹). *جرم‌انگاری اقدام‌های مخمل دادرسی عادلانه؛ مبانی و مصادیق*. رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- مقیمی، مهدی (پاییز ۱۳۸۶). *دام‌گستری در کشف جرم*. فصلنامه دانش انتظامی. ۹ (۳)، صص ۱۴۸-۱۶۷. بازیابی از: <http://yon.ir/Ry7E6>
- ملک‌زاده، محمود (۱۳۹۱). *دام‌گستری*. پایان‌نامه حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه شیراز.

- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۸). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان. چاپ هشتم.
- ولی پور، قاسم (۱۳۹۲). دام‌گستری در حقوق کیفری ایران. پایان‌نامه حقوق جزا. دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.
- هاشمی، حمید و باباپور، محمدعلی (۱۳۹۰). جرائم سازمان یافته. تهران: نشر مدبران.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴). دام‌گستری؛ مفهوم و مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران. مجله فقه و حقوق. ۲(۶)، صص ۱۱۵-۱۳۲. بازیابی از: <http://yon.ir/Ohhkl>

منابع انگلیسی

- Horder, Jermy (2019). Principles of criminal law, oxford university press, Ninth Edition.
- Martin, Elizabeth (1997). Oxford dictionary of law, publication: Amazon. UK.